

جامعه‌شناسی تاریخی و زمینه‌های بهره‌مندی رشته روابط بین‌الملل از چرخش تاریخی

سیدعلی منوری^۱

دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۹ - تاریخ تصویب: ۹۳/۲/۱)

چکیده

جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل محمل مناسبی جهت تمرکز بر مقوله تاریخ است. از این نظر دیدگاه مذکور ضعف‌های چشم‌انداز خردگرا را در این زمینه پرمی‌کند. از سوی دیگر، پیشرفتی در رویکرد چشم‌انداز تأمل‌گرا نسبت به تاریخ محسوب می‌شود. در واقع، در ادامه چرخش اجتماعی، می‌توان از چرخش تاریخی در دانش روابط بین‌الملل صحبت به میان آورد. بدین اعتبار دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی در قالب بازاندیشی چرخش تاریخی، دلالت‌های مفیدی عرضه می‌کند. نویسنده در این جهت و با نگاهی تحلیلی به تاریخ، که بازتاب‌دهنده وجوه معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است، چهار زمینه مناسب الگومند، رویدادهای داخلی/خارجی، تأثیرات کارگزار/ساختار، و تبیین روایی را طرح‌ریزی می‌کند و از این رهگذر چگونگی بهره‌مندی رشته روابط بین‌الملل را از چرخش تاریخی به تصویر می‌کشد.

واژگان کلیدی

تأثیرات کارگزار/ساختار، تبیین روایی، جامعه‌شناسی تاریخی، چرخش تاریخی، روابط بین‌الملل، رویدادهای داخلی/خارجی، مناسب الگومند

طرح مسئله

از زمان شکل‌گیری و تحول بطئی رشتۀ روابط بین‌الملل تا پایان جنگ سرد مقولۀ تاریخ به عنوان بافتی تأثیرگذار در نظریه‌های روابط بین‌الملل به حاشیه رانده شد. در این زمینه می‌توان از چشم‌انداز کلان تاریخی سه دوره نظریه‌پردازی را در روابط بین‌الملل به تصویر کشید. اولین دوره، فاصلۀ زمانی میان دو جنگ جهانی اول تا آغاز جنگ سرد؛ دومین دوره فاصلۀ زمانی پس از آغاز جنگ سرد تا پایان آن؛ و سومین دوره، عصر پس از جنگ سرد تا زمان حاضر را دربرمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد پرداختن به نقش تاریخ در ساحت نظریه‌پردازی در دو دوره اول یا کاملاً فروگذار شده، و یا به گونه‌ای ناآگاهانه نمود یافته است. از این نظر می‌توان چنین استنباط کرد که نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل یا از تاریخ به عنوان ابزاری صرف در تأیید آرای خود بهره جسته‌اند یا با دیدی غیرتاریخی - یا فراتاریخی - به تصویری ثابت از روابط بین‌الملل دست یافته‌اند. لازم به توضیح است که تحولات رشتۀ روابط بین‌الملل، به تدریج، چنین نمایانند که نظریه‌پردازان درکی واحد از سوژه‌های روابط بین‌الملل دارند. از این نظر آنچه بیش از پیش مؤید این مدعا بوده دو متن برجسته است که سلطۀ جریان اصلی^۱ را بر رشتۀ روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم سبب شدند: سیاست میان‌ملتها: تلاش برای قدرت و صلح (۱۹۹۳) و نظریۀ سیاست بین‌الملل (۱۹۷۹). بدین قرار مورگنتسا و والتس برجسته‌ترین نظریه‌پردازان دیدگاه‌های واقع‌گرای و نواقح‌گرای، تصویری واحد از سوژه‌های روابط بین‌الملل در قالب دولت‌ها (دولت‌بودگی)^۲ به دست دادند. در این تصویر دولت‌محور، تنها درکی واحد از خود (تصویر خودانگارانه)^۳، آن هم متبلور در کنشگران دولتی، فراهم آمد.

از سوی دیگر، با توجه به سلطۀ دانش‌پژوهانۀ ایالات متحده بر رشتۀ روابط بین‌الملل می‌توان چنین استنباط کرد که در کنار یکسان بودن کارکردهای واحدهای نظام بین‌الملل، آنچنانکه والتس می‌گوید (Walts, 1979: 93-7)، این واحدها بر اساس تمایز مبتنی بر حاکمیت، به مثابۀ موجودیت‌هایی منفک از یکدیگر قلمداد می‌شوند. این‌گونه است که در بستر تلقی مذکور - یا همان سومین تصویر^۴ از نظریۀ روابط بین‌الملل به بیان والتس در انسان، دولت و جنگ (۱۹۵۹) - اسطوره‌هایی چون امنیت ملی و منافع ملی در ساختار هرج و مرج‌گونه نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد و بدین اعتبار تصویری غیرتاریخی - یا فراتاریخی - از روابط بین‌الملل، در قالب چشم‌انداز خردگرا^۵، تثبیت می‌شود.

1. Mainstream.
2. Statehood.
3. Egoistic Image.
4. The Third Image.
5. Rationalist Perspective.

پایان جنگ سرد و تشدید مباحث فرانظری (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و روش‌شناسی)، یا آنچه ونت در قالب تمایز میان مسائل درجه اول و دوم^۱ مشخص کرده، همچنین تقسیم‌بندی نظریه‌ها توسط وی بر مبنای تعهدات فرانظری (Wendt, 1999: 4-5, 29-33)، این زمینه را فراهم کرد که تاریخ به عنوان متغیر درجه اول در رشته روابط بین‌الملل مطرح شود. بازاندیشی^۲ در خصوص تاریخ و شناخت تاریخی سهم دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل^۳ شد. در واقع، می‌توان در کنار چرخش اجتماعی^۴ در روابط بین‌الملل پس از جنگ سرد، به چرخش تاریخی^۵ نیز معطوف شد.

با توجه به مطالب مذکور، این مقاله در صدد آن است که ضمن توجه به مقوله تاریخ و جایگاه آن در دانش روابط بین‌الملل و ترسیم خطوط کلی جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل، تصویر دوباره‌ای از چرخش تاریخی در روابط بین‌الملل به دست دهد. بدین اعتبار، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان با توجه به مساهمت جامعه‌شناسی تاریخی، زمینه‌های بهره‌مندی رشته روابط بین‌الملل را از چرخش تاریخی به تصویر کشید؟

در پاسخ به پرسش مذکور این مقاله در پنج بخش سامان یافته است. در بخش اول پس از مقدمه به ارتباط میان تاریخ و نظریه‌های روابط بین‌الملل اشاره می‌شود. در بخش دوم، در خطوط کلی، جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل ترسیم می‌شود. در بخش سوم به طور خاص به زمینه‌های بهره‌مندی رشته روابط بین‌الملل از چرخش تاریخی توجه شده است. در نهایت و در بخش چهارم از تمامی مطالب عنوان‌شده جمع‌بندی به عمل می‌آید.

تاریخ و نظریه‌های روابط بین‌الملل

بی‌تردید هسته اصلی دانش روابط بین‌الملل^۶، نظریه‌ها و ساحت نظریه‌پردازی است. به بیان ایکو «تاریخ نظریه روابط بین‌الملل تنها با تولد رشته روابط بین‌الملل آغاز می‌شود» (Aiko, 2006: 96). در واقع، از زمان شکل‌گیری نخستین کرسی این رشته در دانشگاه ولز در ۱۹۱۹ (Burchill and Linklater, 2005: 6)، مناظرات درون‌رشته به خوبی تحول تاریخی آن را به تصویر می‌کشد (Waever, 2005: 8-9 and Patomaki, 2002: 36). در این میان مهم‌ترین مناظره برای بحث ما مناظره تأمل‌گرایان در مقابل خردگرایان بوده که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده است (در خصوص محتوای این مناظره بنگرید به: Chernoff, 2007: 132. Patomaki and Wight, 2000: 222. Rengger, 2006: 428. و Diez and Steans, 2005: 129).

1. First and Second Order Questions.
2. Reflection/ Reflexivity.
3. Historical Sociology in International Relations (HSIR).
4. Social Turn.
5. Historical Turn .
6. IR Discipline.

وجه مشترک نظریه‌های چشم‌انداز تأمل‌گرا مساهمت در انتقادات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نسبت به چشم‌انداز خردگراست. تأمل‌گرایان همواره شدیداً به تمرکز نوواقع‌گرایی والتسی بر کنشگران عقلانی و عینی به دلیل ترسیم تصویری غیرتاریخی از سیاست بین‌الملل و توصیفی بدون زمان از رفتار کنشگران انتقاد داشته‌اند (Leysens, 2008: 119 and Weber, 2010: 38). این انتقاد، از سوی دیگر، متوجه نهادگرایی نولیبرال کوهنی نیز شده است، چرا که از دید کوهن، رویکرد مذکور پیش از آنکه وامدار لیبرالیسم باشد، وامدار نوواقع‌گرایی است. این دو در کنار هم در دهه ۱۹۸۰ «گونه‌های نو»^۱ را پایه‌ریزی کردند (Ruggie, 1998: 3). این گونه‌های نو، به بیان ونت، مبتنی بر تعهد مشترک به خردگرایی است (Wendt, 1992: 391).

بازاندیشی در باب نظریه^۲ یکی از محورهای چشم‌انداز تأمل‌گراست (Chernoff, 2007: 142-3). از این نظر بازاندیشی در باب خود نظریه، حاوی دلالت مهمی برای ماست، چرا که می‌توان به بافت تاریخی ساخت نظریه توجه کرد. شایان ذکر است که جریان اصلی روابط بین‌الملل در وهله نخست، تاریخ را ابزاری جهت آزمون نظریه در نظر می‌گیرد (Elman and Elman, 2008: 359). به بیان دیگر، علمی شدن روابط بین‌الملل در دوران جنگ سرد، به رشته مذکور وجهی غیرتاریخی بخشید (Hobson and Lawson, 2008: 415). در واقع، شیئیت بخشیدن به فرایندهای اجتماعی و امور واقع اجتماعی به عنوان نهادهای تحلیلی فاقد زمان، وهمی مداوم بود که در قالب آن گذشته به منظور تبیین زمان حال جستجو می‌شد (Lawson, 2007: 346). هابسُن جریان اصلی روابط بین‌الملل را متهم می‌کند که از تاریخ نه به عنوان ابزاری برای بازاندیشی پیرامون حال، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تأیید نظریه‌های زمان حال استفاده می‌کند. از دید آن‌ها، تاریخ در عوض، ابزاری جهت بازاندیشی در مورد نظریه‌ها و مسئله‌دار ساختن تحلیل حال و از این نظر، قالب‌بندی دوباره دستور کار پژوهشی روابط بین‌الملل است (Hobson, 2002: 5).

با تثبیت چشم‌انداز تأمل‌گرا در روند تکامل تدریجی روابط بین‌الملل، نه تنها محتوای نظریه‌ها بازاندیشی می‌شود، بلکه وجه تاریخی - تکوینی نظریه و موقعیت‌مند^۳ بودن آن و وجه تاریخی دانش نیز در قالب مباحث فرانظری مورد توجه قرار گرفت. البته، شایان توضیح است که نظریه‌های چشم‌انداز خردگرا به لحاظ محتوایی در تأیید فرض‌های خود به درجات مختلف به تاریخ و شواهد تاریخی رجوع کرده‌اند (فرضاً مورگنتا و گیلپین)، اما در خصوص تاریخ‌مندی خود نظریه ساکت مانده و تصویری ثابت از روابط بین‌الملل به دست داده‌اند. در

-
1. Neo Variants.
 2. Reflectivity of Theory.
 3. Situated.

این زمینه همچنانکه کاکس می‌گوید می‌توان میان دو گونه نظریه انتقادی (تاریخی) و حل مسئله‌ای (کمتر تاریخی یا غیرتاریخی) تمایز قائل شد (Hobson and Lawson, 2008: 416).

اما به لحاظ محتوایی چشم‌اندازهای تأمل‌گرا پیشرفت‌های چشمگیری در خصوص توجه به تاریخ نشان می‌دهند. در این زمینه مکتب انگلیسی با تمرکز بر ساخت و تکامل تدریجی جامعه بین‌الملل و امکان‌های بدیل تحول آن، سازه‌انگاری با پرداختن به شکل‌گیری تاریخی هویت کنشگران، مکتب انتقادی با مد نظر قرار دادن ماتریالیسم تاریخی، همچنین نقد نظام مبتنی بر دولت‌های دارای حاکمیت در جهت رهایی‌بخشی از وضعیت تاریخی ساخته‌شده موجود، پس‌اساختارگرایی با معطوف شدن به تبارشناسی و ساخت‌شکنی فراروایت‌های فراتاریخی در متون روابط بین‌الملل، فمینیسم با پرداختن به چگونگی تثبیت جریان اصلی مردانه^۱ و نگارش تاریخ مذکر^۲، و پس‌استعمارگرایی با در نظر گرفتن مناسبات تاریخی شکل‌گرفته میان دو گروه استعمارکننده‌ها و استعمارشده‌ها، جلوه‌هایی از پیشرفت‌های محتوایی مورد نظر در قالب چشم‌انداز تأمل‌گرا قلمداد می‌شود (برای این موارد بنگرید به: Burchill, et al., 2005; Griffiths, ed., 2007; and Dunne, Kurki and Smith, eds., 2010).

اکنون پس از ارزیابی رابطه میان تاریخ و نظریه‌های روابط بین‌الملل ضروری است تا در ادامه بر دیدگاه اصلی مورد نظر، جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل پردازیم. در ادامه این دیدگاه، مقولات تحلیلی قابل کاربرد در این چرخش تاریخی با توجه به پژوهش‌های تاریخی در روابط بین‌الملل نیز مطرح خواهد شد.

جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل

به نظر می‌رسد آنگاه که از جامعه‌شناسی تاریخی سخن به میان می‌آید به لحاظ معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، همچنانکه منهایم^۳ (۱۳۸۹) بدان اشاره کرده است، نوعی تضاد میان نظریه و تاریخ مشاهده شود. از این منظر نوعی دوگانگی میان علوم اجتماعی و تاریخ وجود دارد: در حالی که علوم اجتماعی معطوف به رویکرد قانون‌نگر^۴، قیاس، و نظریه‌های عام است، تاریخ متوجه رویکرد تک‌انگار^۵، استقرا و توصیفات خاص است (Calhoun, 1998: 848). آنچه به هیچ وجه نمی‌توان در مورد آن تردید روا داشت آن است که استفاده از روش‌های تکرارپذیر^۶ علوم دقیقه در قلمرو تکرارناپذیر^۷ امور انسانی امکان‌پذیر نیست (Gaddis, 1999: 83).

1. Male-stream.
2. His-story.
3. Karl Mannheim.
4. nomothetic approach.
5. Idiographic approach.
6. Replicable.
7. Unreplicable.

در عین حال از دیدگاه گروهی دیگر از شارحان جامعه‌شناسی تاریخی، نظریه‌پردازان علوم اجتماعی نظریه‌های عمومی را ایجاد و آن‌ها را آزمون می‌کنند، در حالی که مورخان از نظریه یا مجموعه‌ای از نظریه‌ها در جهت ساختارمند کردن تفاسیر خود از رویدادهای خاص استفاده می‌کنند (Levy, 1997: 24-32). در واقع، از این منظر تاریخ داده‌های خام مبتنی بر امور واقع را در اختیار علوم اجتماعی قرار می‌دهد و علوم اجتماعی دارای حق انحصاری ساخت و پرداخت نظریه نسبت به تاریخ است (Bryant, 2000: 511).

مهم‌ترین چالش برای جامعه‌شناسی تاریخی فراهم آوردن نظام معنایی یا نظریه‌ای جهت تبیین امور واقع تاریخی است (Dannreuther and Kennedy, 2007: 376). با این حال باید خاطر نشان ساخت که «جامعه‌شناسی تاریخی فضایی مبهم میان تاریخ و جامعه‌شناسی را اشغال می‌کند» (Delanty and Isin, 2003: 1).

برای نویسنده این سطور تضاد میان تاریخ و نظریه به لحاظ وجوه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، و روش‌شناختی به تقدم اولی نسبت به دومی می‌انجامد. همچنانکه دین نیز بدان اشاره کرده است رویکردهای جامعه‌شناختی در چارچوب دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی با دغدغه‌های علم‌گرایی و اتخاذ رویکردهای کلان برنامه‌پژوهشی و دستورکارهای مقتضی با موانع معرفت‌شناختی مواجه می‌شود. پرداختن به جوامع مُدرن با تمرکز بر مسائلی چون نوسازی، صنعتی شدن، عرفی شدن، شهری شدن و دیوان‌سالار شدن به جامعه‌شناسی تاریخی خصلتی قانون‌شناسانه و تعمیم‌بخش می‌دهد. این نوع جامعه‌شناسی تاریخی کمتر به تاریخ و ویژگی‌های خاص آن اعم از منحصر به فرد بودن، رویدادهای محتمل، چرخه‌های متفاوت، زمانیت، و فرایندهای در زمانی می‌پردازد. از این منظر به نظر می‌رسد که رابطه میان تاریخ و نظریه اجتماعی غیرقابل حل خواهد ماند (Dean, 1994: 7-13).

با شکل‌گیری رشته روابط بین‌الملل و انشقاق آن از دانش سیاست، همچنانکه استنلی هوفمان^۱ استدلال کرده است، آن نقش معمارانه را که ارسطو برای علم سیاست قائل شده بود برای رشته روابط بین‌الملل نیز باید تخصیص داد، چرا که این رشته، علمی اجتماعی است که با فهم فرایندهای بلندمدت تغییر- که بشریت را به منزله یک کل متأثر می‌سازد- بیشترین ارتباط را دارد (Linklater, 2007: 355). وی معتقد است مطالعات مربوط به رشته روابط بین‌الملل باید بر مبنای روش‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی بنیان نهاده شود. نیت وی از این گفته، بررسی پیوند این رشته با زندگی سیاسی داخلی بود (Rosenberg, 2006: 307-8).

همچنانکه هابسن و لاسن ذکر می‌کنند، پس از جنگ سرد توجهی دوباره به تاریخ، در چارچوب رشته روابط بین‌الملل، جلب شده است. از این نظر توجه به جامعه‌شناسی تاریخی

1. Stanley Hoffmann.

مبین تدوین پژوهش‌هایی است که به لحاظ تاریخی پُرمايه، و به لحاظ نظری سازنده باشند (Hobson and Lawson, 2008: 417). در واقع، به بیان مَبی جامعه‌شناسی تاریخی از این جهت که تحلیل تاریخی و تحلیل نظری را ترکیب کرده، رویکرد ارزش‌مندی در رشته روابط بین‌الملل است (Mabee, 2007: 432). از سوی دیگر، لاسن عقیده دارد به دنبال شکوفایی نظری در رشته روابط بین‌الملل پس از جنگ سرد، در مقایسه با اقتصاد، سیاست و نظریه سیاسی، جامعه‌شناسی به گونه‌ای فزاینده تأثیرگذار بوده است (Lawson, 2006: 3&8).

در این میان، اشرودر با در نظر گرفتن تناسب بالقوه میان تاریخ بین‌الملل و نظریه روابط بین‌الملل در جهت استفاده از مواد خام و یافته‌های این دو حوزه توسط یکدیگر (Schroeder, 1997: 70)، هابسون با انتقاد از غیرتاریخی بودن جریان اصلی روابط بین‌الملل (Hobson, 2007: 415)، و المَن‌ها با فاقد معنا دانستن رشته روابط بین‌الملل بدون تاریخ و چرخش تاریخی (Elman and Elman, 2008, 359-60)، این دستاورد فکری را یادآوری می‌کنند که تفکیکی میان نظریه بسترمند^۱ - که تابع روایت فراگیر مورخ است - و نظریه فراگیر^۲ - که تابع بایسته‌های نظری نظریه‌پرداز است - وجود ندارد (Lawson, 2007: 356).

جامعه‌شناسی تاریخی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به رشته روابط بین‌الملل وارد شده است (Lawson, 2007: 344). جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل، نه جامعه‌شناسی و نه تاریخ صرف است. این دیدگاه حاصل تقارب جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین‌الملل است و بر موضوعاتی نظیر چگونگی شکل‌گیری دولت، مناسبات بین‌المللی، و ظهور و تکامل روندهای جهانی تمرکز دارد (Bhambara, 2010: 131-2). از این نظر دانش‌پژوهان نسل جدید در رشته روابط بین‌الملل متفقاً بر این مسئله تأکید می‌کنند که تجزیه و تحلیل موضوعاتی چون حاکمیت، توازن قوا، دموکراسی، عدم مداخله، یا هژمونی خارج از تاریخ انجام نمی‌شود، چرا که امور واقع بدون زمان در روابط بین‌الملل فاقد معناست (Elman and Elman, 2008: 359-60). لاسن کارهای انجام‌شده به دنبال ورود جامعه‌شناسی تاریخی به رشته روابط بین‌الملل را متمرکز بر مسائلی چون تحلیل خاستگاه‌ها و انواع نظام‌های بین‌المللی طی زمان‌ها و مکان‌های مختلف (کارهای واتسن^۳، اسپرووات^۴، بوزان^۵، و لیتل^۶)، آشکارسازی اسطوره ۱۶۴۸ (کارهای اُسیاندر^۷ و تشکه^۸)، تحلیل خاستگاه‌های غیرغربی نظام جهانی معاصر (کارهای والرستین،

-
1. Embedded theory.
 2. Encompassing theory.
 3. Adam Watson.
 4. Hendrik Spruyt.
 5. Barry Buzan.
 6. Ricard Little.
 7. Andreas Osiander.
 8. Benno Teschke .

ژیل^۱، و هابسن^۲، رابطه هم- تکوینی میان قلمرو بین‌المللی و مناسبات دولت- جامعه در روندهای تغییر سریع (کارهای هالیدی^۳ و لاسن^۴)، بررسی منطق اجتماعی نظم‌های مالی بین‌المللی (کار سیبروک^۵)، و بررسی ابعاد بین‌المللی مُدرنیته^۶ (کار روزنبرگ^۷) می‌داند (Lawson, 2007: 344). از نظر مبی جامعه‌شناسی تاریخی موهبتی برای رشته روابط بین‌الملل است، چرا که هم به نیروهای کلانی معطوف است که در نظریه سنتی اجتماعی بسط و تکامل یافته‌اند و هم رویکردی عینی‌تر به تاریخ دارد، نه بر حسب ایجاد قوانین جهان‌شمول، بلکه در جهت کشف پویش‌های میان روندهای تداوم و تغییر (Mabee, 2007: 432). دانرودر و کندی تمایل به معطوف شدن به مسائل بزرگ و درگیر شدن در رویدادها و فرایندها، تبیین علی، زمانیت، و علاقه به موارد مختلف در زمان‌ها و مکان‌های جغرافیایی مختلف را چهار خصیصه تعریف‌کننده جامعه‌شناسی تاریخی قلمداد می‌کنند (Dannreuther and Kennedy, 2007: 377-8).

نباید از خاطر دور ساخت که یکی دیگر از دستاوردهای بسیار مهم جامعه‌شناسی تاریخی- دست کم برای پژوهشگران ایرانی که به دنبال دیدگاه‌های بدیل‌اند- عطف توجه به حوزه‌های تاریخی- تمدنی غیر از اروپاست. از این‌رو، با اتخاذ این چشم‌انداز، دیگر تحلیل موضوعاتی چون موضوع پژوهش‌های تاریخی از دیدگاه نمونه آرمانی تجدید^۸ و شاخص‌های مرتبط با آن ضرورتی ندارد. از این نظر بتلی آن نوع جامعه‌شناسی تاریخی را که تجربه اروپا سنگ محک فهم تاریخ جهان قلمداد می‌کند، سطحی و ناقص می‌داند (Bentley, 2006: 17). در این خصوص بَمبرا اصطلاح «تواریخ به هم پیوسته»^۹ را ارائه می‌کند (Bhambra, 2010, 139). دانرودر و کندی نیز این خط فکری را در خصوص شکل‌گیری دولت دنبال کرده‌اند (Dannreuther and Kennedy, 2007: 377-8).

زمینه‌های بهره‌مندی روابط بین‌الملل از چرخش تاریخی

در ادامه این بخش و با در نظر گرفتن تمامی مطالب گفته‌شده در خصوص دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل، و به منظور کاربرد این دیدگاه در پژوهش‌های تاریخی، الزام بهره‌مندی روابط بین‌الملل از چرخش تاریخی مطرح می‌شود. شایان توضیح است که این مقولات مشتمل بر مناسبات الگومند، رویدادهای داخلی/ خارجی، تأثیرات کارگزار/ ساختار، و تبیین علیت و روایت است.

1. Barry K. Gills.
2. Fred Halliday.
3. Leonard Seabrooke .
4. Modernity.
5. Justin Rosenberg.
6. Ideal type of modernity.
7. Connected histories.

الف) مناسبات الگومند

اگرچه مورخان غالباً بر خصوصیت منحصر به فرد رویدادهای تاریخی تأکید می‌کنند، اتخاذ رویکرد تحلیلی نسبت به تاریخ نباید ما را از کشف الگوهای تمایزپذیر بازدارد. البته، کشف مناسبات الگومند^۱ در تاریخ مستلزم پذیرش این پیش‌فرض است که دامنه پژوهش تاریخی را روندی طولانی‌مدت^۲ در نظر بگیریم. از سوی دیگر، کشف الگوهای مورد نظر نباید ما را به سمت قانون‌مندی‌های اثبات‌گرایانه^۳ در تحلیل تاریخ سوق دهد. از آنجا که نویسنده به لحاظ معرفت‌شناختی و روش‌شناختی عدم تشابه علوم انسانی - و به تبع آن تاریخ - به علوم طبیعی را پذیرفته است، بنابراین مدل قانون فراگیر طرح‌شده همپل (Gordon, 1991: 391-5) و الگوی قیاسی - قانونی^۴ (Psillos, 2007: 163) مورد نظر وی را در تبیین تاریخ رد می‌کند.

اصل زیربنایی در توضیح مناسبات الگومند چیزی است که نویسنده آن را «رخداد‌های قابل قیاس»^۵ نامگذاری می‌کند. این رخدادها صفت متمایز ادوار مختلف در پژوهش‌های کلان تاریخی‌اند. در واقع، کنار هم قرار گرفتن این رخدادها به صورت متناوب است که به مناسبات الگومند تاریخی شکل می‌دهد. البته، شایان ذکر است که قیاس‌پذیری رخدادها در تاریخ به معنای شباهت مطلق آن‌ها نیست؛ چرا که نخست نیت‌های کنشگران طی زمان و مکان متفاوت است؛ دوم هر عصر تاریخی ویژگی‌های خاص خود را دارد.

در توضیح و شفاف‌سازی موارد مذکور می‌توان گفت که تاریخ برای ما همچون نمایشنامه‌ای با چند سوژه متفاوت است. رخداد‌های قیاس‌پذیر در این تمثیل همچون صحنه‌هایی است که درک واحدی را برای مخاطبان فراهم می‌کند. این درک واحد در دستگاه شناختی مخاطبان مناسبات الگومند را تولید می‌کند. نباید از خاطر دور ساخت که این مناسبات الگومند می‌توانند در پیش‌بینی کنش‌های آتی کنشگران یا امکان وقوع رویدادهای بعدی مفید به فایده باشد، البته نه پیش‌بینی مورد نظر در تبیین علی^۶ تاریخ.

ب) رویدادهای داخلی / خارجی

صحبت از وجود رویدادهای داخلی و خارجی به این معناست که نویسنده بر عملکرد کنشگران دولتی تمرکز می‌کند. از این نظر در جامعه‌شناسی تاریخی مورد نظر وی، دولت‌ها کنشگران اصلی‌اند. بدین ترتیب به لحاظ هستی‌شناختی، واحد تحلیل برای نویسنده دولت

-
1. Patterned Relations.
 2. Long-running.
 3. Positivist Regularities.
 4. Deductive- Nomological.
 5. Analogous Episodes.
 6. Causal Explanation.

است؛ اما به لحاظ معرفت‌شناختی آنچه مسئله‌دار است، مقوله سطح تحلیل است که در اینجا مسئله، مسئله‌ای معرفت‌شناختی است.

پیش از هر چیز باید گفت که به بیان لُمن باید میان مفاهیم happening (واقعه)، occurrence (رخداد) و event (رویداد)^۱ تمایز قائل شد. در این زمینه واقعه به طور عام دربرگیرنده رخداد و رویداد است، اما رخداد ناظر بر وقوع هرگونه فعلی است. در واقع، رخدادها به تنهایی بر حسب توالی زمانی^۲ فهم‌پذیر (معنادار) نیستند و هویت روایی^۳ ندارند. از این منظر رخدادها اجزای زنجیره‌های یک روایت قلمداد می‌شوند. بدین قرار زنجیره این رخدادهاست که به روایت شکل می‌دهد. در این جهت رویداد ترتیب خاصی از رخدادهاست که باید آغاز، میانه، و انجامی داشته باشد. یک رویداد نه تنها باید زنجیره‌ای از رخدادها را بر حسب اصل «به دنبال آمدن»^۴ شکل دهد، بلکه باید بر اساس ترتیب خاصی از رخدادها معنا یابد. بنابراین، رویدادها شامل پدیده‌هایی چون تولد، مرگ، جنگ و انتخابات می‌شود و محتوای آن‌ها شکل روایت دارد، با این تفاوت که روایت ادامه می‌یابد، اما رویدادها پایان می‌پذیرند (Lemon, 1995: 62-76).

درهم‌آمیزی دو سطح تحلیل داخلی و خارجی در جامعه‌شناسی تاریخی مبین ترکیب روندهای داخلی و بین‌المللی در تحلیل تحول تاریخی دولت‌ها در نظام جهانی است. این نظام جهانی در رویکرد نویسنده چیزی جز همان تاریخ جهانی نیست. در اینجا اطلاق نظام جهانی ما را از تصور مفهومی نظام بین‌الملل و ستفالیایی دور می‌کند. این مسئله حاوی دو دلالت مهم است. اول آنکه در رویکرد جامعه‌شناختی - تاریخی مورد نظر نویسنده، اسطوره دولت ملی که ریشه در تحولات تاریخی اروپا در چند سده گذشته دارد و نماینده نوعی اروپامحوری^۵ است کم‌رنگ می‌شود (رسالتی که برای جامعه‌شناسی تاریخی جامع‌نگر اهمیتی بسیار دارد)؛ و دوم اینکه صرف کاربست تصور مفهومی نظام بین‌الملل ما را مقید به دیدگاهی در روابط بین‌الملل می‌کند که از چشم‌اندازی برون‌زاد به دولت‌ها توجه و از پرداختن به روندهای درونی آن‌ها فروگذار می‌کند.

از این نظر نویسنده عقیده دارد نظام جهانی (به بیان دقیق‌تر، تاریخ جهانی) به منزله یک کل هستی‌شناختی هم‌بازتاب‌دهنده روندهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی خود و هم به روندهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی اجزای آن، یعنی دولت‌ها، معطوف است. بدین ترتیب هرگونه

۱. باید در نظر داشت که در زبان فارسی مفاهیم واقعه، رخداد، و رویداد غالباً به یک معنا به کار رفته و در زبان غیرعلمی بدون تمایز و دقت مفهومی استعمال می‌شوند.

2. Temporal succession.
3. Narrative identity.
4. Following on.
5. Eurocentrism.

پژوهش تاریخی در زمینه دولت‌ها مبتنی بر دو محور خواهد بود. محور اول ناظر بر تأثیر رویدادهای نظام جهانی (رویدادهای خارجی) بر دولت‌هاست، در حالی که محور دوم مشعر بر تأثیر رویدادهای داخلی دولت‌ها (رویدادهای داخلی) بر نظام جهانی است. البته، باید توجه داشت که این دو پویا در تعامل با یکدیگر - بسته به الزام‌ها و ضرورت‌های تاریخی - نیز قرار می‌گیرند. این تأثیرات نه از نوع علی، که از نوع تکوینی است.

ج) تأثیرات کارگزار / ساختار

دومین مبحث تکمیلی شایان توجه مقوله کارگزاری (عاملیت انسانی)^۱ است. به این مقوله می‌توان از دو جنبه توجه داشت. بر این اساس، اولین جنبه به نحوه روایت و سامان تبیین روایی خود پژوهشگر تاریخ بازمی‌گردد. به بیان هابسن و لاسن، بقایای تاریخی - یا همان منابع دست اول و دست دوم - به خودی خود و از طرف خود صحبت نمی‌کنند، بلکه در قالب بافت گسترده‌تر اجتماعی قرار دارد و از این رهگذر حقیقتی مطلق را درباره گذشته بازگو نمی‌کند (Hobson and Lawson, 2008: 428). به عبارت دیگر، داده‌های تاریخی نه جمع‌آوری، که بازجمع‌آوری می‌شوند؛ بدین معنا که تغرضات و تمنیات پژوهشگر تاریخ در هدایت و اجرای پژوهش تاریخی مؤثر است.

همچنانکه در سطور پیشین نیز اشاره شد در جریان تبیین روایی، روایت‌ها باید به گونه‌ای در کنار هم قرارگیرند که معنادار (فهم‌پذیر) باشند. معنای این گفته آن است که پژوهشگر تاریخ نقشی مستقیم در گزینش و پیوند رویدادها و روایت‌ها ایفا می‌کند (Jupp, 2006: 186). در واقع و در وهله نخست، پژوهشگر تاریخ خود به مثابه عاملی انسانی عمل می‌کند، چراکه این عامل انسانی بازتاب‌دهنده تجربه زیسته^۲ خود است (McMaylor, 2005: 147).

از سوی دیگر، جنبه دوم توجه به مقوله کارگزاری، پرداختن به مؤلفه کارگزار در کنار مؤلفه ساختار در قالب دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی است. شالوده‌های کلان، همچنانکه لاسن (2006) نیز بدان اشاره کرده است، جایگاهی تأثیرگذار در دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی دارد. در واقع، درک تحول نظم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طی زمان جز در سایه توجه به این شالوده‌های کلان که در حکم ساختارند امکان‌پذیر نخواهد بود. از چشم‌انداز تأمل‌گرایانه و در حوزه معرفت‌شناختی، دانش برساخته‌ای اجتماعی است. کراتوچویل^۳ با عطف توجه به تأمل‌گرایی عقیده دارد که این تأمل، پیش‌شرط مهم درک کنش و کارگزاری است (Kratochwil, 2006: 8).

1. Agency.
2. Lived experience.
3. Friedrich Kratochwil.

در اینجا نویسنده برای پرکردن شکاف‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مذکور به مؤلفه کارگزاری نیز توجه می‌کند. نباید از خاطر دور ساخت که این عطف توجه به کارگزاری ریشه در کارهای وبر دارد، چراکه وی از یک سو بر فرد، و تجربه‌ها و نظام ارزشی وی، همچنین عنصر اراده تأکید می‌کند (فردگرایی روش‌شناختی)^۱، و از سوی دیگر هرگونه قصد ذاتی و غایت‌شناسی^۲ استعلایی - همچون هگل و مارکس - را در زمینه تاریخ رد می‌کند (Holton, 2003: 31; Turner, 1992: 25-9; and Whimster, 2007: 192).

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظری - دست کم در این مقاله - در قالب جامعه‌شناسی تاریخی، همچنان‌که کالهن عنوان می‌کند، اعاده مؤلفه کارگزاری است (Calhoun, 1998: 8-9)؛ مسئله‌ای که مبی نیز با توجه به وعده جامعه‌شناسی تاریخی مبنی بر پُر کردن شکاف داخلی - بین‌المللی، و صحنه گذاشتن بر نقش کارگزار از آن صحبت می‌کند (Mabee, 2007: 439-40). این انتظار از جامعه‌شناسی تاریخی ما را به رهیافتی سوق می‌دهد که هابسن از آن به جامعه‌شناسی تاریخی نووبری^۳ یاد می‌کند. از دید وی با توجه به آنکه هم جریان اصلی روابط بین‌الملل و هم جامعه‌شناسی تاریخی به ساختارهای بین‌المللی شینیت می‌بخشند و نقش کارگزاری را در مجموعه‌های دولت - جامعه نادیده می‌گیرند، رهیافت مورد نظر این ضعف را مرتفع می‌سازد (Bhambara, 2010: 132).

نظام جهانی، یا همان تاریخ جهانی، عرصه ظهور و بروز ساختارهای مذکور است. اما این کل‌گرایی روش‌شناختی^۴ این خطر را به همراه دارد که در تحلیل‌های جامعه‌شناختی - تاریخی، کارگزار چیزی جز الزامات کارکردی ساختار به حساب نیاید. از سوی دیگر، تمرکز صرف بر ساختارها باعث می‌شود که پژوهشگر تاریخ اسیر آنچه می‌توان «تصویرهای ثابت»^۵ نامید شود، و نه تنها پویایی‌های کنش‌ها و تغییرات تاریخی را فهم نکند، بلکه از زاویه رویکردی غیرتاریخی - یا فراتاریخی - نسبت به نهادها و رویه‌های موجود بنگرد. همچنین، تمرکز انحصاری بر ساختارها راه هر گونه انتزاع‌گرایی را هموار می‌کند.

علاوه بر موارد مذکور، شایان ذکر است که می‌توان تمایزی ظریف میان «کنش تاریخی به مثابه کارگزاری»^۶ و «کنش تاریخی به مثابه رفتار»^۷ قائل شد. در این زمینه تلقی کنش به صورت رفتار یادآور تأثیر علی - مکانیکی ساختار بر اجزای آن است، چرا که تصور مفهومی

-
1. Methodological individualism.
 2. Teleological.
 3. New-weberian Historical Sociology.
 4. Methodological holism.
 5. fixed images.
 6. Historical action as agency.
 7. Historical action as behavior.

رفتار ناظر بر جنبه برون‌زاد کنش خواهد بود. اما تصور مفهومی کارگزاری، در انطباق با دیدگاه وبر، به جنبه درون‌زاد کنش، و از این رو نظام فرهنگی و ارزشی فرد معطوف است. در کل باید خاطر نشان ساخت که گذار از یک صحنه به صحنه دیگر در طول تاریخ از طریق تصمیم‌های کارگزاران تبیین‌پذیر است.

د) تبیین روایی

اما دامن‌فرازترین بحث ذیل مقولات تحلیلی، مبحث تبیین در پژوهش تاریخی است. در این زمینه اتکینسون به سه نوع تبیین قانون‌مند (همپل و پاپر)، عقلانی (کالینگوود و دری)، و روایی (اوکشات و باترفیلد) اشاره می‌کند (Atkinson, 1978: 96). این سه نوع تبیین بر حسب میزان تشابه یا افتراق تاریخ با علوم طبیعی طبقه‌بندی شده‌اند. هر چه از تبیین قانون‌مند به تبیین روایی نزدیک‌تر شویم، میزان افتراق بیشتر می‌شود و به حد تبیین می‌رسد (ادکینسون، ۱۳۷۹: ۳۶-۴۴). نکته مهم آن است که تبیین نوع اول بر مبنای تعلیل^۱ و تبیین نوع دوم مبتنی بر استدلال^۲ است. همچنین، باید یادآور شد که تبیین قانون‌مند از جنس تبیین عام در علوم طبیعی، و تبیین عقلانی ناظر بر بازساخت^۳ ذهن مورخ در خصوص محیط ذهنی، انگیزه‌ها، احساسات و دلایل کنش‌هاست (Psillos, 2007: 163-5).

آنچه با توجه به ماهیت تاریخ و پژوهش تاریخی برای نویسنده اهمیت دارد، نوعی تبیین روایی است. در وهله نخست باید گفت که روایت، یا داستان-ابژه^۴، متفاوت از گاه‌شمار^۵ است، چرا که در گاه‌شمار پدیده‌ها صرفاً مبتنی بر تقدم زمانی در کنار هم قرار می‌گیرند، اما روایت ناظر بر الگوی «این رویداد، آنگاه آن رویداد» است. از این نظر روایت به چیزی ملموس در «آن بیرون»^۶ اشاره می‌کند (Lemon, 2003: 298-301).

همچنانکه گوردون به خوبی اشاره می‌کند، رویدادهای تاریخی نامتجانس^۷ اند، حتی ارتباط بین آن‌ها هم منحصر به فرد است؛ اما این به معنای آن نیست که نتوان آن‌ها را تبیین کرد. در واقع، این تبیین از نوع علی نیست. آنچه در خصوص این تبیین قابل ذکر است اقتران^۸ میان روایت‌هاست (Gordon, 1991: 397). از دید لِمُن در زنجیره‌های روایی^۹ بعد از رویداد الف این

-
1. Causation.
 2. Reasoning.
 3. Re-enactment.
 4. Story-Object.
 5. Chronicle.
 6. Out there.
 7. Heterogeneous.
 8. Conjunction.
 9. Narrative sequences.

امکان وجود دارد که رویدادهای ب، ج، یا د شکل گیرند، اما هیچ‌گاه رویداد الف به طور مستقیم به رویداد ه (آخرین نقطه روایت) نمی‌رسد. بنابراین میان رویدادهای همجوار باید شرط معناداری (فهم‌پذیری)^۱ حاکم باشد (Lemon, 1995: 48-51).

نکته بسیار مهم در خصوص تبیین روایی آن است که ساختار روایت مبتنی بر زنجیره‌های وقایع^۲ است. از این‌رو، در چارچوب تبیین روایی این زنجیره‌ها از یکدیگر تبعیت می‌کنند. در واقع، یک واقعه واقع‌های است که از واقعه پیشین تبعیت می‌کند. البته، ترتیب این زنجیره‌ها دارای منطوق است؛ به این معنا که صرف پشت سر هم قرارگرفتن، دال بر امکان تبیین نیست (Lemon, 2003: 313-4 and Munz, 1997: 837-9). در این زنجیره‌ها رابطه علت- معلولی^۳ در میان وقایع حاکم است. با چنین رویکردی است که مونز نتیجه می‌گیرد زمان در زنجیره علی تنها با روایت متحول می‌شود. البته نکته بسیار بسیار مهم در این استدلال آن است که روایت مذکور با کمک تعمیم‌پذیری شکل می‌گیرد و این تعمیم‌پذیری تصویری از محدوده زمانی نیست که آن را نشان می‌دهد. در واقع، از دید مونز روایت‌ها زمان را باز نمی‌نمایند، بلکه این مؤلف (همان پژوهشگر تاریخ) است که آنها را باز می‌نماید (Munz, 1997: 839-51).

مسئله دیگر که در این نوع تبیین روایی باید بدان توجه داشت آن است که در پژوهش تاریخی تعداد بسیاری از زنجیره‌ها وجود دارد. این زنجیره‌ها در هر مرحله برای تغییر نیاز به همان رابطه علی دارند، اما کل این روند از اولین زنجیره در نقطه آغاز پژوهش تا انتهای آن مشمول یک قانون عام نخواهد بود (Fay, 1996: 172-4). همچنین، نباید از خاطر دور داشت که مسیر حرکت در پژوهش تاریخی، مسیری گذشته‌نگرانه^۴ است. به این معنا که برای رسیدن به نقطه الف، پژوهشگر تاریخ که با تکوین^۵ موضوع فاصله زمانی دارد، به گونه‌ای گریزناپذیر از ه به د، از د به ج، از ج به ب، و از ب به الف می‌رسد.

در کل، تبیین روایی فوق دستاوردی مفید برای جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل به حساب می‌آید. از این نظر، بهره‌گیری از روایت علاوه بر آنکه برای تحلیل جامعه‌شناختی رویدادهای تاریخی لازم است، مقوله‌ای موفقیت‌آمیز در فراهم آوردن انواع مشخص تبیین خواهد بود (Gotham and Staples, 1996: 468).

نتیجه

دانش مضبوط روابط بین‌الملل شاخه‌ای از علوم انسانی است که بدون توجه به تاریخ و

1. Intelligibility.
2. Sequences of Occurrences.
3. Cause-Effect.
4. Retrospective
5. Genesis.

چرخش تاریخی امکان ارزیابی تحولات نظری و محتوایی را منتفی می‌سازد. در واقع، در نمایی تاریخی «روابط بین‌الملل» دال بر «تاریخ روابط بین‌الملل» است. در این زمینه چشم‌اندازهای خردگرا و تأمل‌گرا هر یک به درجات مختلف به مقوله تاریخ توجه داشته‌اند. از این منظر، در حالی که چشم‌انداز خردگرا بیشتر تاریخ را ابزاری برای تأیید گزاره‌های خود می‌داند، چشم‌انداز تأمل‌گرا به وجه تاریخی نظریه و ساخت تاریخی آن توجه دارد. بر این اساس، التفات به تاریخ به عنوان مقوله‌ای با درجه اول اهمیت و تأثیرگذار از توصیفات مبتنی بر شیئیت‌بخشی^۱، طبیعی شدن^۲ و تغییرناپذیری^۳ در ساحت‌های نظری جلوگیری می‌کند (Hobson, 2002: 6) و با پذیرش وضعیت «در زمانی»^۴ روابط بین‌الملل، از افتادن آن در دام «هم‌زمانی بودن»^۵ ممانعت به عمل می‌آورد.

در میان نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی تاریخی به گونه‌ای بسنده بر مقوله تاریخ تمرکز کرده است. جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل هم در پیشبرد حوزه‌های موضوع متنوع، خارج از دستورکارهای متعارف نقش دارد و هم زمینه‌های بازاندیشی تاریخی را در درون رشته فراهم کرده است. البته، نویسنده عقیده دارد مؤلفه جامعه‌شناختی در این دیدگاه کمی اغواکننده و وزن مؤلفه تاریخی بیشتر است. در واقع، می‌توان چنین استدلال کرد که جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل کل هستی‌شناختی منطبق بر تاریخ جهانی - بدون تمایز تاریخ غرب از غیرغرب، برخلاف سنت دانش‌پژوهی غربی - است که البته می‌توان در خلال تحلیل در این بستر به فرایندهای جامعه‌شناختی یا اجتماعی نیز معطوف شد. از این نظر چرخش اجتماعی (جامعه‌شناختی) در روابط بین‌الملل زمانی به طور کامل محقق می‌شود که مستظهر به تاریخ باشد.

با چنین برداشتی، نویسنده این مقاله درصدد تصویر چرخش تاریخی در چارچوب دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل برآمد. در این زمینه و با توجه با پذیرش نگره تحلیلی به تاریخ که مبتنی بر پویایی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی جهت شناخت رویدادهای گذشته و فهم تاریخی است، نویسنده چهار مقوله تحلیلی را در ذیل جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل ارائه کرد. این مقولات عبارت‌اند از مناسبات الگومند، رویدادهای داخلی / خارجی، تأثیرات کارگزار / ساختار، و تبیین روایی. بدین ترتیب در جهت پاسخ به پرسش طرح‌شده در بخش مقدمه می‌توان چنین ادعا کرد که با توجه به مساهمت جامعه‌شناسی

-
1. Reification.
 2. Naturalization.
 3. Immutability.
 4. Diachrony.
 5. Synchrony.

تاریخی در روابط بین‌الملل، چرخش تاریخی با تکیه بر مقولات تحلیلی مذکور دوباره به تصویر کشیده می‌شود.

انجام سخن اینکه، تصویر چرخش تاریخی در روابط بین‌الملل در سایه این مقولات تحلیلی چهارگانه، گامی دیگری در پیشرفت برنامه پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی در رشته روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اتکینسون، آر. اف. (۱۳۷۹)، «فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاه‌های رایج در فلسفه معاصر تاریخ». در اتکینسون، آر. اف. و دیگران. فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخنگاری. ترجمه و تدوین حسینعلی نودری. تهران: انتشارات طرح نو، ۶۸-۳۳.
۲. مانهایم، کارل (۱۳۸۹)، مقاله‌هایی درباره جامعه‌شناسی شناخت. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: ثالث.

ب) خارجی

3. Aiko, Yuichi (2006), "Rousseau and Saint-Pierr's: Peace Ptoject: A Critique of History of International Relation Theory". In Beate Jahn, ed. Classical Theory in International Relations. Cabridge: Cabridge University Press, 96-120.
4. Atkinson, R. F. (1978), Knowledge and Explanation in History: An Introduction to the Philosphy of History. New York: Cornell University Press.
5. Bentley, Jerry H. (2006), "Globalizing History and Historicizing Globalization". In Barry K. Gills and William R. Thompson, eds, Globalization and Global History. London: Routledge, 16-29.
6. Bhabra, Gurminder K. (2010), "Historical Sociology, International Relations and Connected Histories ". Cambridge Review of International Affairs 23(1): 127-43.
7. Burchill, Scott, et al. (2005), Theories of International Relations. Third Edition. New York: Palgrave Macmillan.
8. Burchill, Scott and Linklater, Andrew (2005), "Introduction". In Scott Burchill et al. Theories of International Relations. Third Edition. New York: Palgrave Macmillan, 1-28.
9. Calhoun, Criag (1998), "Explanation in Historical Sociology: Narrative, General Theory, and Historically Specific". American Journal of Sociology 104(3): 846-71.
10. Chernoff, Fred (2007), Theory and Metatheory in International Relations: Concepts and Contending Accounts. New York: Palgrave Macmillan.
11. Dannreuther, Roland and Kennedy, James (2007), "British Decline and US Hegemony with Lessons for International Relations". International Politics 44: 369-89.
12. Delanty, Gerard and Isin, Engin F. (2003), "Introduction: Reorienting Historical Sociology". In Gerard Delanty and Engin F. Isin, eds. Handbook of Historical Sociology. London: Sage Publications, 1-8.
13. Diez, Thomas and Stesns, Jill (2005), "A Useful Dialogue? Haberas and International Relotions". Review of International Studies 31: 127-40.
14. Dunne, Tim; Kurki, Milja; and Smith, Steve, eds. (2010), International Relations Theories: Discipline and Diversity 2nd edition. Oxford: Oxford University Press.
15. Elman, Colin and Elman, Miriam Fendhus (2008), "The Role of History in International Relations". Millennium-Journal of International Studies 37(2): 357- 64.
16. Fay, Brian (1997), Contemporary Philosophy of Social Science: A Multicultural Approach. Malden: Blackwell Publishers.
17. Gaddis, John Lewis (1997), "History, Theory, and Common Ground". International Security 22(1): 75-85.
18. Gordon, Scott (1991), The History and Philosophy of Social Science. London: Routledge.
18. Gotham, Kevin Fox and Staples, William G. (1996), "Narrative Analysis and the New Historical Sociology". The Sociological Quarterly. 37(3): 481-501.

20. Griffiths, Martin, ed. (2007), *International Relations Theory for the 21st Century*. London: Routledge.
21. Hobson, John M. (2002), "What's at Stake 'in Bringing Historical Sociology back into International Relations?' Transcending 'Chronofetishism' and 'Tempocentrism' in International Relations". In Stephen Hobden and John M. Hobson, eds. *Historical Sociology of International Relations*. Cambridge: Cambridge University Press, 3-41.
22. Hobson, John M. (2007), "Reconstructing International Relations Through World History: Oriental Globalization and the Global-Dialogic Conception of Inter-Civilizational Relations". *International Politics* 44: 414-30.
23. Hobson, John M. and Lawson, George (2008), "What is History in International Relations". *Millennium-Journal of International Studies* 37(2): 415-35.
24. Holton, Robert (2003), "Max Weber and Interpretive Tradition". In Gerard Delanty and Engin F. Isin, eds. *Handbook of Historical Sociology*. London: Sage Publications, 27-38.
25. Lawson, George (2006), "The Promise of Historical Sociology in International Relations". *International Studies Review* 8: 397-423.
26. Lawson, George (2007), "Historical Sociology in International Relations: Open Society, Research Programme and Vocation". *International Politics* 44: 343-68.
27. Lemon, Michael C. (1995), *The Discipline of History and the History of Thought*. London: Routledge.
28. Lemon, Michael C. (2003), *Philosophy of History: A Guide for Students*. London: Routledge.
29. Levy, Jack S. (1997), "Too Important to Leave to the Other: History and Political Science in the Study of International Relations". *International Security* 22(1): 22-33.
30. Leysense, Anthony (2008), *The Critical Theory of Robert W. Cox: Fugitive or Guru?*. New York: Palgrave Macmillan.
31. Linklater, Andrew (2007), "World History and International Relations". *International Relations* 21(3): 355-9.
32. Mabee, Bryn (2007), "Levels and Agents, States and People: Micro-Historical Sociological Analysis and International Relations". *International Politics* 44: 431-49.
33. Morgenthau, Hans. J. (1993), *Politics among Nations: The Struggle for Power and Peace*. Revised by K.W. Thompson. New York: McGraw-Hill.
34. Munz, Peter (1997), "The Historical Narrative". In Michael Bentley, ed. *Companion to Historiography*. London: Routledge, 833-52.
35. Patomaki, Heikki (2002), *After International Relations: Critical Realism and the (Re)construction of World Politics*. London: Routledge.
36. Patomaki, Heikki and Wight, Colin (2000), "After Postpositivism? The Promises of Critical Realism". *International Studies Quarterly* 44: 213-37.
37. Psillos, Stathis (2007), "Past and Contemporary Perspectives on Explanation". In Theo A. F. Kuipers, ed. *General Philosophy of Science: Focal Issues*. Amsterdam: Elsevier, 97-174.
38. Rengger, Nicholas (2006), "Theorizing World Politics for a New Century". *International Affairs* 82(3): 427-30.
39. Rosenberg, Justin (2006), "Why is There No International Historical Sociology?". *European Journal of International Relations* 12(3): 307-40.
40. Ruggie, John G. (1998), *Constructing the World Politics: Essays on international Institutionalization*. London: Routledge.
41. Schroeder, Paul W. (1997), "History and International Relations Theory: Not Use or Abuse, but Fit or Misfit". *International Security* 22(1): 64-74.
42. Turner, Bryan S. (1992), *Max Weber: From History to Modernity*. London: Routledge.
43. Waever, Ole (2005), "Figures of International Thought: Introducing Persons Instead of Paradigms". In Iver B. Neumann and Ole Wæver, eds. *The Future of International Relations: Masters in the Making?*. London: Routledge, 1-40.
44. Waltz, Kenneth. W. (1959), *Man, the State, and War*. New York: Columbia University Press.
45. Waltz, Kenneth. N. (1979), *Theory of International Politics*. Reading: Addison-Wesley Press.
46. Weber, Cynthia (2010), *International Relation Theory: A Critical Introduction*. London: Routledge.

-
47. Wendt, Alexander (1992), "Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics". *International Organization* 49(2): 391-425.
 48. Wendt, Alexander (1999), *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
 49. Wight, Colin and Joseph, Jonathan (2010), "Scientific Realism and International Relations". In Jonathan Joseph and Colin Wight, eds. *Scientific Realism and International Relations*. New York: Palgrave Macmillan, 1-30.